

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر عبدالرحیم عزیز
۲۰۰۹/۱۸/۳

اشغال یا دفاع

برای مناظره حاضر

در آوانیکه يك عده از افراد نسبتاً با وجدان امریکائی خروج آبرومندانه عساکر امریکا را از افغانستان قبل از رسوایی و افشاح شکست احتمالی پیشنهاد میکنند و تجاوز امریکا را در اصل تقبیح می نمایند، يك تعداد از کسبه کاران میهن فروش به مانند قوای امریکا در افغانستان اصرار میورزند و اشغال کشور را يك امر حیاتی غرض حمایت افغانستان از تعرضات پاکستان میدانند. این تعداد از نابکاران توظیف شده اند که در منازل، در محافل عروسی و فاتحه، در مصاحبات رادیونی و تلویزیونی و یا در هر جانی دیگری که میسر شد، به نفع اشغال افغانستان عربده بکشند و راه سعادت افغانستان را در بردگی کشور ما معرفی بدارند. این گروه نمک حرام به میهن طبق دساتیر اجنبیان چنین اظهار میکنند که اگر امریکا نښاد، پاکستان افغانستان را تسخیر خواهد کرد بدون اینکه بتوانند دلایل موجه ابراز داشته و منطق خود را به کرسی بنشانند.

طوریکه با تعدادی از طرفداران استعمار حرف زده ام، معلومات شان در مورد شناخت روابط ستراتیژیک امریکا با پاکستان بسیار قلیل و ضعیف است. از روابط پاکستان با امریکا در جریان جنگ سرد کمتر آگاهی دارند و نمیدانند که باوجود نشیب و فراز در روابط این کشور، امریکا هرگز حاضر نخواهد شد که پاکستان را بخاطر افغانستان درهم بکوبد. خدمات استعماری پاکستان برای امریکا و غرب از زمان پیدایش پاکستان در روی کره زمین بسیار با ارزش بوده است. پاکستان از زمره اعضای دو پیمان سنتو و سیتو تحت رهبری امریکا بود و تا اکنون هم از مش ستراتیژیک امریکا در منطقه حمایت میکند. به عبارت دیگر، پاکستان خود از ابزار ستراتیژیک امریکا در منطقه محسوب میشود. اگر شوروی بعد از اشغال افغانستان يك قدم دیگر پیش میرفت و بر پاکستان یورش میدید، احتمال قوی داشت که امریکا به یاری پاکستان بشتابد. اما دیدیم که چطور امریکا نظاره گر خرد و خمیر شدن افغانستان در زیر مهمیز اردوی شوروی بود. کمک نظامی امریکا به مجاهدین افغان آنهم از طریق پاکستان به منظور محبت با مردم ما نبود، بلکه برای انتقام شکست اش در ویتنام و بدام انداختن دشمن اش بود. دشمنی که خود را نابخرادنه و مغرورانه در خشم و انتقام افغان بسوی برپادی کشانید و زمینه را برای آقائی کامل امریکا حد اقل برای دو دهه آماده ساخت.

در دوران اشغال افغانستان توسط قوای شوروی، پاکستان خود را کلاً در خدمت امریکا قرار داد و دین پیدایش و نگهداری اش را به غرب و امریکا طور شایسته ادا نمود. بالاخره همین پاکستان بود که وظیفه بربادی افغانستان را بدوش گرفت و آنرا موفقانه به نفع خود و غرب به پایان رسانید. رهبران تنظیمی که امروز در اریکه قدرت قرار دارند، معاش خواران مشترک امریکا و پاکستان بوده اند. يك تعداد ازین دین فروشان در سال ۱۹۷۴ به پاکستان فرار کردند و به کمک آی اس آی علیه کشورشان دست به خرابکاری زدند. امریکا در بی ثبات ساختن جمهوریت مرحوم داود خان در سال ۱۹۷۴ به فعالیت آغاز کرد و پاکستان هم شریک این ستراتیژی امریکا در اوج جنگ سرد بود. گاه و بیگاه، تصادم منافع بین دو متحد و یا میان متحدین خلق میگردد، که ما این تنشج را در روابط امریکا و پاکستان، امریکا و اسرائیل و امریکا و برتانیه مشاهده کرده ایم که يك امر طبیعی در روابط بین المللی است. هیچ گونه گسستی جدی در روابط واشنگتن با اسلام آباد پدید نیامده است که محاسبه سیاسی و ستراتیژیک منطقه را از ریشه بر هم زند و به موجب آن امریکا روش خود را نسبت به پاکستان عوض کند. حال هم اگر مدعیان تداوم اشغال نظر میدهند که افغانستان به موجودیت عساکر امریکایی ضرورت دارد تا ما را از شر پاکستان محفوظ نگهدارد، لطف کرده به امریکا پیشنهاد بفرمایند که حد اقل ۲۰ فیصد تاسیسات نظامی پاکستان را منهدم سازد تا افغانستان برای مدت ۷۰ سال دیگر از دست این کشور آسوده شود. آیا امریکا حاضر خواهد شد که بخاطر افغانستان دست به چنین اقدامی بزند؟ هرگز نه.

صرف نظر از تحولات معمولی در روابط این دو کشور که در صورت لزوم در آینده در باره آن بحث خواهیم کرد، درین جا سوال پیدا میشود که آیا امریکا به منظور نجات افغانستان از شر پاکستان به کشور ما تجاوز نموده یا اینکه اهدافی دیگری دارد. من به این عقیده ام که تجاوز امریکا روی اهداف خاص ستراتیژیک بوده است نه دفع پاکستان. اگر پاکستان واقعاً مانع تحقق طرح های امریکا در افغانستان و منطقه در حال و یا آینده شود، بدون تردید که امریکا کار پاکستان را مانند عراق یکطرفه خواهد ساخت. امریکا تحمل نا فرمانی بردگان خود را ندارد. ما دیدیم که چطور پاکستان برای بقای خود و خوشنودی امریکا بعد از حادثه تروریستی سپتامبر ۱۱ سال ۲۰۰۱، از ترس انهدام احتمالی عقب نشینی کرد، اما نظام طالبی را برای بقای خود قربانی داد و چند طالب را هم بدست سی ای ای سپرد. درین جا لازم به تذکار میدانم که اگر امریکا اجباراً افغانستان را در آینده ترك گوید و روش تجاوزکارانه خود را در منطقه و یا افغانستان عوض کند، این دلیل و یا دلایل کردار نیک امریکا نخواهد بود، بلکه ضعف جهانی امریکا، ظهور قدرت های منطقوی و مقاومت در داخل افغانستان است که امریکا را وادار به تغییر روش خواهد ساخت. استعمار هیچگاه به میل و رغبت خود از تاخت و تاز دست نمی کشد مگر اینکه فشار را احساس کند تا ناگزیر از صحنه بدر شود.

مدافعین اشغال افغانستان اظهار میدارند که ما دیدیم که پاکستان از طالبان حمایت کرده و سر تا سر افغانستان را تسخیر کرد. مدافعین اشغال اینرا نمیدانند که پاکستان شهادت چنین اقدام را به تنهایی نداشت تا اگر از پشتیبانی امریکا و برتانیه برخوردار نمیبود. درین جا بدو عنصر داخلی و خارجی اشاره میکنم:

اول اینکه، موفقیت های پی در پی طالبان نتیجه شهادت آنها و پاکستان نبود، بلکه زاده خیانت و طنفروشان حرفوی بود که بزدلانه صحنه مبارزه را ترك گفتند. این خیانت پیشه گان، سابقه خیانت به افغانستان را قبلاً داشتند و بار ها وطن را به دشمنان افغانستان تسلیم کردند. همین ها بودند در سال ۱۹۷۴ به پاکستان فرار نمودند و مزدوری آی اس آی را برای تخریب افغانستان پذیرفتند. بعداً همین ها بودند که قرار داد های مخفی با شوروی بستند و به جهاد برحق مردم افغان خیانت نمودند. اینبار هم به طالبان و پاکستان در مقابل پول و رشوه تسلیم شدند و بی غیرتی خود را ثبت تاریخ ساختند.

دوم اینکه، امریکا برای پروژه های نفت و گاز مورد نظرش میخواست که افغانستان را از شر جنگ های تنظیمی نجات داده و آنرا در يك دست قرار دهد و طالبان هم بهترین وسیله بود. پس باز هم می بینیم که چطور پاکستان تابع اوامر واشنگتن شد و طرح امریکا را در افغانستان پیاده کرد. اما وقتی که امریکا تصمیم گرفت که نظام طالبی را در آن زمان منهدم کند، باز هم پاکستان بود که به این ستراتیژی امریکا در افغانستان و منطقه یاری رسانید و صدای خود را از ترس بلند نکرد. آیا امریکا نمیداند که پاکستان لانه تروریستان است، پس چرا در انهدام آنها اقدام نمیکند؟ جواب این سوال را باید مدافعین استعمار و حامیان اشغال کشور بپردازند.

"افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" آرزومند است که با حفظ روحیه دموکراتیک این بحث سیاسی و حیاتی را مطرح ساخته و از هموطنان عزیز هم خواهش میشود که درین مناظره سهم شونند. نویسنده مسئولیت این گفتگو را بدوش خواهد داشت. هموطنانی که به آرزوی بحث شفاهی اند، نویسنده حاضر خواهد بود که با ایشان در یک مناظره رادیو - تلویزیونی، پالتاک و یا براه انداختن یک سیمینار داخل شود.

نویسنده معتقد است که افغانستان در اشغال است و از خود آزادی و حاکمیت ملی ندارد. "دفاع افغانستان و یا ضرورت به قوای ائتلاف" صرف یک بهانه است برای تداوم اشغال که آنرا خیانت صریح و میهن فروشی کامل می پندارم. امریکا هرگز پاکستان را بخاطر افغانستان زیر آتش نخواهد گرفت، بلکه حتی در آینده هم دست پاکستان را در امور افغانستان باز خواهد گذاشت که در آن صورت همین سرسپردگان ازین اقدام استعماری باز هم حمایت خواهند کرد. استعمار بوسیله این گروه میهن فروش میکوشد که ذهنیت مردم ما را مسموم سازد تا حاکمیت خود را بر کشور ما برحق جلوه دهد. اجانب بخاطر دفاع از میهن ما به افغانستان نیامده اند که به نفع آنها عربده کشید. دفاع از میهن وجیبه آزادگان آن کشور است که با الهام از تاریخ خویش فرق هر متجاوز را می شکند و غلامان متجاوزین را در زباله دان تاریخ حواله میکند. سرنوشت فلاکت بار خلقیان و پرچمیان میتواند بهترین مثال برای میهن فروشان امروزی باشد.